



دانشگاه مازندران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی / گرایش علوم سیاسی

موضوع:

دولت رانتیر و انقلاب اسلامی در ایران

استاد راهنما:

دکتر مهدی رهبری

استاد مشاور:

دکتر حسین رفیع

اساتید داور:

دکتر محمد تقی قزلسفلی

دکتر علی اکبر جعفری

نام دانشجو:

سید مصطفی حسینی

شهریور ماه ۱۳۸۹

## تقدیم و تشکر:

نگارنده بر خود می‌داند که از زحمات بی‌دریغ، تلاش‌های بی‌وقفه و راهنمایی‌های ارزشمند استادان گرامی جناب آقای دکتر رهبری و آقای دکتر رفیع در راستای انجام این پروژه در طول این مدت تشکر و قدردانی نماید. ضمناً تشکر ویژه و نهایت سپاسگذاری دارم از زحمات استادان ارجمند خویش جناب آقایان دکتر کریمی، دکتر جمالی، دکتر قزلسفلی و جناب آقای دکتر جعفری که در مدت هفت سال افتخار شاگردی ایشان را داشتم.

تقدیم:

به

همسرم

## چکیده:

با کشف و استخراج نفت در اوایل قرن نوزدهم در ایران، دولتهای حاکم بر ایران بتدریج وارد شیوه ای جدید از حکومتداری شدند. شاهان قاجار به علت پایان دوران حکومتشان فرصت استفاده از درآمد نفت در اموراتشان را پیدا نکردند. اما با آغاز دوران حکومت پهلوی، بتدریج نفت نقشی اساسی در اقتصاد و سیاست پیدا کرد. در دوران رضاخان عواید نفتی قسمتی از درآمدهای دولت را تشکیل می داد و در کنار دیگر منابع درآمدی همچون مالیات، عواید گمرکی و کمکهایی خارجی و ... سهمی در بودجه داشته، که آن نیز صرف هزینه های نظامی می شد.

اما پس از دوران رضاخان و با افزایش تولید نفت توسط کنسرسیون، نقش عواید نفتی در بودجه دولت و وابستگی دولت به آن بیشتر شد. بتدریج درآمدهای نفتی به عنوان عمده ترین منبع درآمد حکومت محمد رضا شاه تبدیل گشت و تمامی امور را به خود وابسته نمود. از دهه ۱۳۴۰ به بعد محمدرضا شاه با اتکا به درآمدهای نفتی استقلال نسبتاً کاملی از جامعه پیدا کرد و با سیاست تأمین رفاه عمومی و مدرنیزاسیون، به مشروعیت سازی پرداخته و با افزایش این درآمدها، جامعه و طبقات اجتماعی را به خود وابسته نمود. از سویی دیگر استقلالی که دولت از افزایش درآمدهای رانتی بدست آورد، موجب گشت تا بعنوان قدرتمندترین بازیگر در عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مبدل گردد. افزایش توان مالی دولت رادر سرکوبگری سیاسی و فرهنگی توانمند ساخت.

حکومت پهلوی به درجه ی از استقلال رسیده بود که خود را بی نیاز از جامعه ی داخلی می دانست. از این رو با مخالفتها و اعتراضات داخلی مواجه شد. در این راستا، یکی از نظریه هایی که تبیین کننده رابطه ی میان افزایش درآمدهای نفتی (رانتی) و وقوع جریانات اعتراضی و بحران انقلابی در سال ۱۳۵۷ در ایران می باشد، نظریه دولت رانتیر است که در این رساله به تطبیق آنها با یکدیگر می پردازیم.

**واژه های کلیدی:** نفت، رانت، دولت رانتیر، طبقات اجتماعی، استقلال دولت، بحران، انقلاب.

## فهرست مطالب

عنوان	-----	صفحه
مقدمه	-----	۱
<b>فصل اول: کلیات</b>	-----	۳
۱/۱. تعریف مسأله	-----	۴
۲/۱. سؤالات	-----	۶
۳/۱. پژوهش‌های انجام شده قبلی در ارتباط با پایان‌نامه «بطور مختصر»	-----	۶
۱/۳/۱. پژوهش‌های انجام شده در رابطه با انقلاب اسلامی ایران	-----	۶
۲/۳/۱. پژوهش‌های انجام شده درباره دولت رانتیر و ویژگی‌های آن	-----	۱۰
۳/۳/۱. پژوهش‌های انجام شده در خصوص رابطه‌ی دولت رانتیر و	-----	
انقلاب اسلامی در ایران	-----	۱۱
۴/۱. حدود پژوهش	-----	۱۲
۵/۱. تعریف مفاهیم	-----	۱۳
۶/۱. فرضیات پژوهش	-----	۱۳
۷/۱. اهداف پژوهش	-----	۱۴
۸/۱. روش پژوهش	-----	۱۴
۱/۸/۱. چهارچوب نظری	-----	۱۵
۲/۸/۱. فنون و تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات	-----	۱۹
۳/۸/۱. رهیافت پژوهش	-----	۱۹
<b>فصل دوم: نظریه دولت رانتیر</b>	-----	۲۱
۱/۲. مقدمه	-----	۲۲
۲/۲. تعریف رانت	-----	۲۲
۳/۲. دولت رانتیر	-----	۲۴
۴/۲. رانتیریسیم	-----	۲۸
۱/۴/۲. تأثیرات سیاسی رانتیریسیم	-----	۲۸
۱/۱/۴/۲. افزایش استقلال دولت از جامعه	-----	۲۸
۲/۱/۴/۲. تضعیف دموکراسی	-----	۲۹
۳/۱/۴/۲. تضعیف توان استخراجی و باز توزیعی دولت	-----	۳۰
۲/۴/۲. تأثیرات اجتماعی رانتیریسیم (روابط دولت و جامعه)	-----	۳۱
۱/۲/۴/۲. دگرگونی قشر بندی اجتماعی	-----	۳۱
۲/۲/۴/۲. افزایش منازعات سیاسی در جامعه	-----	۳۲
۳/۲/۴/۲. تضعیف ماهیت نمایندگی دولت	-----	۳۳
۴/۲/۴/۲. رشد بوروکراسی	-----	۳۴
۳/۴/۲. تأثیرات اقتصادی رانتیریسیم	-----	۳۴
۱/۳/۴/۲. رشد روحیه رانتیری در اقتصاد جامعه	-----	۳۴
۲/۳/۴/۲. شکل‌گیری اقتصاد مصرفی	-----	۳۵
۳/۳/۴/۲. گسترش بخش عمومی اقتصاد	-----	۳۶
۴/۴/۲. تأثیرات فرهنگی رانتیریسیم	-----	۳۷
۵/۲. رانت گرایی	-----	۳۷
۶/۲. چالش‌های دولت رانتیر	-----	۳۸

۳۹	نتیجه گیری
۴۰	<b>فصل سوم: تاریخ نفت ایران</b>
۴۱	۱/۳ مقدمه
۴۱	۲/۳ تاریخ کشف نفت در ایران
۴۲	۳/۳ کشف نفت و امتیازات نفتی در عصر قاجاریه
۴۲	۱/۳/۳ امتیاز رویتر
۴۳	۲/۳/۳ امتیاز هوتز
۴۳	۳/۳/۳ امتیاز داری
۴۵	۴/۳/۳ امتیاز خوشتاریا
۴۶	۵/۳/۳ امتیاز نفت کویرخوریان
۴۶	۶/۳/۳ امتیاز نفت شمال
۴۷	۴/۳ تحولات تاریخی نفت در دوران حکومت رضاخان
۴۸	۱/۴/۳ اوج گیری فعالیت شرکت نفت جنوب
۴۸	۲/۴/۳ قرارداد ۱۹۳۳
۵۰	۳/۴/۳ ناکامی مجدد شرکت های آمریکایی
۵۱	۵/۳ تحولات نفت از خلع رضاخان تا ملی شدن صنعت نفت
۵۱	۱/۵/۳ سیاست موازنه منفی
۵۲	۲/۵/۳ موافقتنامه قوام - ساد چیکف
۵۵	۳/۵/۳ صنعت نفت ایران ملی می شود
۵۵	۴/۵/۳ قرارداد گس - گلشایان
۵۷	۵/۵/۳ طرحهای پیشنهادی در حل مناقشه ایران و انگلیس
۵۷	۱/۵/۵/۳ پیشنهاد جکسون
۵۸	۲/۵/۵/۳ پیشنهاد استوکس
۵۸	۳/۵/۵/۳ پیشنهاد بانک بین المللی ترمیم و توسعه
۵۸	۴/۵/۵/۳ پیشنهاد مشترک آمریکا و انگلیس
۵۹	۶/۳ تحولات تاریخی نفت از کودتا تا انقلاب
۵۹	۱/۶/۳ قرارداد کنسرسیون
۶۱	۲/۶/۳ تحول در قراردادهای نفتی
۶۳	۳/۶/۳ تحولات نفتی در دهه ۱۳۴۰
۶۷	۴/۶/۳ تحولات نفتی در دهه ۱۳۵۰
۷۲	۷/۳ مقایسه درآمدهای نفتی در دوران قاجار ، پهلوی اول و دوم
۷۲	۱/۷/۳ درآمدهای نفتی در دوران قاجار
۷۳	۲/۷/۳ درآمدهای نفتی در دوران رضاخان
۷۳	۳/۷/۳ درآمدهای نفتی در دوران پهلوی دوم
۷۶	۸/۳ نتیجه گیری
۷۸	<b>فصل چهارم: رژیم پهلوی در سال های ۵۷ - ۱۳۴۲</b>
۷۹	۱/۴ مقدمه
۷۹	۲/۴ اقدامات اقتصادی- اجتماعی پهلوی دوم (سالهای ۴۲-۵۷)
۷۹	۱/۲/۴ طراحی و اجرای برنامه های عمرانی
۷۹	۱/۱/۲/۴ برنامه عمرانی اول (۱۳۲۷-۱۳۳۴)
۷۹	۲/۱/۲/۴ برنامه عمرانی دوم (۱۳۳۴-۱۳۴۱)
۸۰	۳/۱/۲/۴ برنامه سوم عمرانی

۸۲	-----	برنامه‌ی چهارم عمرانی	۴/۱/۲/۴
۸۳	-----	برنامه‌ی پنجم عمرانی	۵/۱/۲/۴
۸۴	-----	اصلاحات ارضی و انقلاب سفید شاه	۲/۲/۴
۸۶	-----	انقلاب سفید	۱/۲/۲/۴
۸۸	-----	توسعه ی صنعتی	۳/۲/۴
۸۹	-----	نفت و توسعه اقتصادی ایران (۵۷ - ۴۲)	۴/۲/۴
۹۲	-----	نفت، برنامه های توسعه، بودجه ی دولت	۱/۴/۲/۴
۹۴	-----	وضعیت کشاورزی در سالهای ۱۳۴۲-۱۳۵۷	۵/۲/۴
۹۶	-----	تولیدات کشاورزی	۱/۵/۲/۴
۹۶	-----	کشاورزی و برنامه های توسعه	۲/۵/۲/۴
۹۷	-----	بخش خدمات	۶/۲/۴
۹۹	-----	<b>۳/۴ اقدامات سیاسی در دوران محمدرضا شاه پهلوی</b>	
۹۹	-----	ساواک و گسترش فعالیتهای پلیسی در جامعه	۱/۳/۴
۱۰۰	-----	گسترش و توسعه نیروهای مسلح	۲/۳/۴
۱۰۱	-----	افزایش تسلیحات نظامی	۱/۲/۳/۴
۱۰۲	-----	هزینه های دفاعی و نظامی	۲/۲/۳/۴
۱۰۳	-----	تأسیس حزب رستاخیز	۳/۳/۴
۱۰۶	-----	رشد بوروکراسی	۴/۳/۴
۱۰۸	-----	<b>۴/۴ اقدامات فرهنگی در دوران محمد رضا شاه پهلوی</b>	
۱۰۸	-----	ترویج ایدئولوژی ناسیونالیسم	۱/۴/۴
۱۱۰	-----	اقدامات فرهنگی در حوزه دین و مذهب تشیع	۲/۴/۴
۱۱۱	-----	تظاهر به دینداری	۱/۲/۴/۴
۱۱۲	-----	ترویج غربگرایی با تاکید بر مصرفگرایی	۲/۲/۴/۴
۱۱۲	-----	نتیجه گیری	۵/۴
۱۱۵	-----	<b>فصل پنجم: رانتیریسیم و انقلاب اسلامی ایران</b>	
۱۱۶	-----	مقدمه	۱/۵
۱۲۰	-----	<b>۲/۵ آثار اقتصادی - اجتماعی رانتیریسیم بر وقوع انقلاب اسلامی</b>	
۱۲۱	-----	استقلال از جامعه طبقات اجتماعی	۱/۲/۵
۱۲۲	-----	رژیم پهلوی و طبقه بورژوازی صنعتی	۱/۱/۲/۵
۱۲۶	-----	طبقه متوسط و رژیم پهلوی	۲/۱/۲/۵
۱۳۶	-----	کاهش و افزایش مالیات در رژیم پهلوی	۲/۲/۵
۱۳۷	-----	سیاستهای رفاهی و وابستگی جامعه به دولت	۳/۲/۵
۱۴۱	-----	رشد اقتصادی، سیاست رفاهی و افزایش توقعات	۱/۳/۲/۵
۱۴۲	-----	سیاستهای رفاهی و افزایش انتظارات	۲/۳/۲/۵
۱۴۳	-----	بحران اقتصادی در دهه ۱۳۵۰	۴/۲/۵
۱۴۵	-----	تورم	۱/۴/۲/۵
۱۴۷	-----	سیاست ضد تورم	۲/۴/۲/۵
۱۴۹	-----	سیاست های لیبرالی	۳/۴/۲/۵
۱۵۲	-----	<b>۳/۵ آثار فرهنگی رانتیریسیم بر انقلاب اسلامی</b>	
۱۵۳	-----	استقلال فرهنگی و ایدئولوژیک دولت از جامعه	۱/۳/۵
۱۵۳	-----	تاکید بر ناسیونالیسم و اسطوره گرایی	۱/۱/۳/۵
۱۵۶	-----	ترویج غرب گرایی	۲/۱/۳/۵

۱۵۷	-----	۴/۵. آثار سیاسی رانتیرسم بر انقلاب ایران
۱۵۷	-----	۱/۴/۵. افزایش قدرت و تعرض به جامعه
۱۵۸	-----	۲/۴/۵. تسلط کامل شاه بر دولت
۱۶۲	-----	۵/۵. نتیجه گیری
۱۶۵	-----	فصل ششم: جمع بندی
۱۷۲	-----	لیست منابع
۱۸۱	-----	چکیده انگلیسی

### فهرست جداول

صفحه	-----	عنوان
۷۵	-----	جدول درآمدهای نفتی ایران (۱۲۹۸-۱۳۵۷)
۹۱	-----	جدول درآمدهای نفتی ایران (۱۳۴۱-۱۳۵۲)
۹۲	-----	جدول استخراج نفت خام ایران (۱۳۵۲-۱۳۵۷)
۹۲	-----	جدول ترکیب و نوسان بودجه ۱۹۷۸-۱۹۶۸
۹۳	-----	جدول سهم بخش های گوناگون در تولید ناخالص ملی (۱۹۷۷-۱۹۶۸)
۹۴	-----	جدول منابع درآمدی در هزینه های برنامه ی چهارم
۹۸	-----	جدول سهم بخش های اقتصادی در تولید ناخالص داخلی (۱۳۵۶-۱۳۴۰)
۱۰۳	-----	جدول نسبت بخش امور دفاعی بودجه به کل بودجه کشور (۱۳۵۷-۱۳۴۵)
۱۳۲	-----	جدول درآمدهای دولت ایران (۱۹۷۱-۱۹۷۸)
۱۳۲	-----	جدول منابع عمده ی درآمدهای دولت ایران (۱۹۵۴-۱۹۷۸)
۱۳۳	-----	جدول درصد سهم عایدات نفتی و مالیاتها از کل بودجه دولت در سه دوره
۱۳۴	-----	جدول منابع اصلی مالیات های مستقیم (۱۹۷۶-۱۹۶۹)
۱۳۵	-----	جدول افزایش سالانه مالیات ها ، (۵۷-۱۳۵۲)



یکی از مهم‌ترین حوادث و رویدادهای قرن بیستم وقوع انقلاب اسلامی در ایران است که در دوران جنگ سرد و نظام دو قطبی به وقوع پیوست. این انقلاب زمانی رخ داد که رژیم مستقر در ایران با تکیه بر درآمدهای عظیم نفتی پایه‌های حکومت خود را مستحکم ساخته بود. دولتی که قدرت آن در دست شاه جمع شده بود و در بین سال‌های ۵۵-۱۳۴۲ از استقلال عمل بالایی در مقابل جامعه برخوردار بود. این دولت از طبقات بالای جامعه نیز مستقل بود و هیچ هراسی از حمله به منافع طبقات نداشت. (رهبری، ۱۳۷۹: ۲۶۷)

ماهیت استبدادی و ساخت شخصی قدرت سیاسی به عنوان یک واقعیت، مورد توافق همه‌ی کسانی است که در مورد رژیم پهلوی به تحقیق پرداخته‌اند. (نوروزی، ۱۳۷۵: ۱۶۱) و دیدگاه‌های گوناگونی را در این خصوص ابراز داشته‌اند که یکی از این دیدگاه‌ها که در باب تحلیل نظام استبدادی عصر پهلوی ارائه شده است، نظریه‌ی دولت تحصیلدار (رانتیر)\* است.

در طول تاریخ، نظام سیاسی حاکم بر جامعه ایرانی، در اشکال گوناگون دارای درآمدها و عواید مستقل بودند. تا قبل از نهضت مشروطه خواهی و کشف نفت در ایران، نظام‌های سیاسی و به عبارتی روش‌تر حاکمان سیاسی کشور مالکیت عوامل تولید یعنی آب را در اختیار داشتند. این عامل تولید در مقایسه با سایر عوامل تولید، در اکثر نقاط ایران کمیاب بوده است. در همان حال این حاکمان صاحبان زمین نیز بودند. در اثر این نوع مالکیت، دولت‌های حاکم دارای عوایدی بودند، اما پس از نهضت مشروطه‌خواهی و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تحول دیگری رخ داد که تأثیر کندکننده و حتی منحرف‌کننده بر زندگی اجتماعی و سیاسی جامعه داشت. این تحول عظیم، کشف نفت بود که بر زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی ایران تأثیر شگرفی بر جای گذاشت. یک پیامد جانبی "طلای سیاه" یا "بلای سیاه" این بود که عملاً دولت حاکم را از برآیند نیروهای موجود در جامعه به حکومتی خودسر و تحصیلدار تبدیل کرد. (فرهنگ رجایی، ۱۳۷۳: ۱۷۴)

عواید نفت از سال ۱۳۰۰ به عنوان منبع درآمد مهم دولت پهلوی مورد توجه قرار گرفت. ولی به طور مشخص از سال ۱۳۴۲ به طور موثر در ساختار سیاسی ایران وارد شد. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۸۸)

با افزایش قیمت نفت در ابتدای دهه ۱۳۵۰ و افزایش نجومی درآمدهای نفتی، دولت پهلوی به یک دولت تحصیلدار تمام عیار تبدیل شد. درآمدهای نجومی باعث کاهش درآمدهای مالیاتی و گسترش بوروکراسی و استقرار بسیار زیاد دولت و نیز کاهش مقبولیت و مشروعیت حکومت و شخص شاه شد. (Mahdavi, 1970: 453)

دستیابی به درآمدهای نفتی دولت را از مالیات‌گیری بی‌نیاز کرد و این به نوبه‌ی خود پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی بر جامعه به همراه داشت که مهم‌ترین پیامد آن استقلال دولت از جامعه بود. بر این

\* دولت رانتیر، دولتی است که درآمد‌های خود را بدون زحمت و تلاش و از راه منابع زیرزمینی و خدادادی بدست می‌آورد و متکی بر اقتصاد تک محصولی و غیر تولیدی است.

اساس درآمدهای حاصل از نفت در انحصار شاه قرار داشت و از آن در جهت اجرای سیاست‌های خود استفاده می‌نمود و از آنجایی که برای کسب درآمدهای آن محتاج جامعه نبود، لذا خود را در برابر آن نیز پاسخگو نمی‌دید. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۰۵-۱۰۰)

بنابراین رشد درآمد نفت کیفیت استقلال مالی و میزان قدرت سیاسی دولت را نسبت به طبقات مختلف اجتماعی، ثروتمندان و نهادهای مذهبی افزایش داد. عواید نفت در واقع نوعی بهره‌ی مالکانه بود که یکجا و مستقیم به دولت پرداخت می‌شد. بنابراین هزینه‌های مالی دولت بعنوان سرچشمه قدرت اقتصادی و سیاسی، که به حفظ و گسترش خود تمایل داشت، سرنوشت طبقات مختلف اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۹)

درآمدهای نفتی در اختیار کامل دولت قرار گرفت و استقلال فنی - اقتصادی بخش نفت با پیامدهای بسیار مهمی به استقلال اجتماعی و اقتصادی تبدیل شد، چرا که نخست درآمدهای عمومی بخش بسیار زیادی از درآمدهای ملی را تشکیل می‌داد. دوم آنکه این درآمدهای عمومی نه از دریافت مالیات‌های معمولی برگرفته از بخش‌های داخلی ناشی می‌شد و نه مانند کشورهای سوسیالیستی، حاصل درآمدهای بنگاه‌های اقتصادی عمومی بود، بلکه به عبارت کلی‌تر، وضع منحصر بفردی به وجود آورد که در آن شکوفایی و پیشرفت اقتصادی تا حد زیادی مستقل از حجم مازاد اقتصادی تولید شده در داخل بود. در این ساختار دولت مصرف‌کننده سرمایه‌گذار و کارفرمای اصلی است و در واقع جایگاه تاریخی دولت تحت این شرایط واژگون گشته و بخش‌های اقتصادی داخلی از لحاظ دریافت‌های مستقیم و غیرمستقیم رفاهی وابسته به دولت می‌شوند. از همین‌ساز و کار است که دولت نه تنها سرچشمه‌ی قدرت اقتصادی و اجتماعی تبدیل می‌شود، بلکه از تلاش تولیدی جامعه مستقل است. بر همین اساس دولت گرایش پیدا می‌کند تا تمامی حقوق و وظایف را در چنگ خود بگیرد و در نتیجه بر قالب و محتوای ساختار و مناسبات اجتماعی و اقتصادی اثر گذارد. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۲۰)

بنابراین دولت ایران بین سالهای ۵۵-۱۳۴۲، دولتی تحصیلدار و استبدادی بود که هر عملی از سوی آن با توجه به منافع رژیم صورت می‌گرفت و تنها محدودکننده‌ی قدرت آن، ایالات متحده آمریکا بود. البته استقلال شاه از آمریکا با افزایش قیمت نفت بیشتر شد، ولی با کاهش درآمدهای دولت و مشکلات اقتصادی در سال‌های ۵۶-۱۳۵۵، این استقلال هم در مقابل آمریکا و هم در مقابل جامعه از دست رفت. (رهبری، ۱۳۷۹: ۲۶۸)

از این رو یکی از نظریاتی که به وجود رابطه‌ی میان درآمدهای رانتی حاصل از فروش موادخام و تحولات انقلابی در سال ۱۳۵۷ پرداخته است؛ نظریه‌ی دولت رانتیر می‌باشد که به بررسی و تطبیق آن با انقلاب اسلامی در ایران می‌پردازیم.

بخش اول

## کلیات و روش پژوهش

۱/۱. طرح مسئله

با کشف نفت در ایران در اوایل قرن نوزدهم میلادی و بتدریج با افزایش استخراج و سقف تولید نفت و افزایش درآمدهای حاصل از آن بویژه از ابتدای دهه ۱۳۴۰ شمسی، این ماده ی حیاتی نقش اساسی و عمده در سیاست و اقتصاد کشور پیدا کرد. رژیم پهلوی به یک دولت کاملاً وابسته به رانت حاصل از فروش نفت شد و از سویی نیز بتدریج بعزت استقلال مالی ناشی از رانت نفت، خود را از جامعه جدا کرده و استقلال فنی- مالی خود را به استقلال اجتماعی- اقتصادی از جامعه مبدل ساخت.

دولت تحصیلدار به خاطر بی‌نیازی مالی به جامعه که سبب عدم دریافت مالیات از جامعه و گروه های اقتصادی و یا کاهش مالیات می شود، و نیز بخاطر اجرای سیاست های خاص، هر چه بیشتر جامعه را به خود وابسته می کند. اجرای سیاست های رفاهی بین سالهای ۱۳۵۴-۱۳۵۲ مانند ارائه ی یارانه‌ها، تغذیه ی مدارس، کاهش قیمت‌ها، افزایش حقوق و بویژه کاهش شدید مالیات‌گیری از جامعه، همگی وضعیت اقتصادی مردم و گروه‌ها را وابسته به تصمیم دولت نمود. افزایش مهاجرت روستاییان و بویژه اشتغال آنان در بخش ساختمان‌سازی، اثری جز وابستگی آنان به دولت نداشت، تأمین اعتبارات بانکی گروه‌های اقتصادی جدید یا صنعتی نیز که با افزایش درآمد دولت به وجود آمده بود، اثری جز تعهد به دولت و وابستگی حیات اجتماعی آنان به رژیم دربر نداشت. (رهبری، ۱۳۷۹: ۲۶۹)

سیاست‌های اقتصادی دولت پهلوی که ناشی از برخورداری از درآمدهای عظیم نفتی بود، به گسترش سریع شهرهای کوچک و بزرگ و توسعه ی فعالیت‌های شهری منجر شد. افزایش درآمدها و مصرف در شهرها و زوال کشاورزی و روستانشینی به مهاجرت جمعی از روستاییان به شهرها انجامید. از این گذشته، تمرکز بیش از حد تصمیمات اجرایی در شهرها هم در افزایش سیل مهاجران بی‌تأثیر نبوده است. (شکاری، ۱۳۷۹: ۷۶)

دولت تحصیلدار پهلوی از یک سو ساخت قدرت سیاسی را شدیداً انحصاری و فضای سیاسی را بسته و مسدود کرد و از سوی دیگر برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی در جهت نوسازی را بویژه از دهه ی ۴۰ به بعد دنبال کرد که باعث توسعه ی گروه‌ها و منافع اجتماعی مختلف شد. این سیاست‌ها در دو حوزه ی مختلف اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی تأثیرات گسترده‌ای بر گروه‌ها و طبقات اجتماعی بر جای گذاشت و تقاضا برای مشارکت سیاسی را افزایش داد. (نوروزی، ۱۳۷۵: ۱۸۲-۱۸۱)

در حوزه ی اقتصادی برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی شاه باعث ایجاد طبقه ی جدید سرمایه‌دار وابسته در کشور شد. از اوایل دهه ی ۱۳۴۰، دولت با اتخاذ سیاست‌های اصلاحات اقتصادی و تأکید بر بخش تولیدی و صنعتی، طبقه ی سرمایه‌دار مالی و صنعتی پدید آورد. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۵۷) حمایت های دولت از بخش وابسته ی اقتصاد باعث نگرانی و ایجاد فشار بر بورژوازی ملی (بازار) شد. در این دوران بازار در تقابل با رژیم پهلوی قرار داشت. (مدنی، ۱۳۶۲: ۲۲)

رقابت بین بخش بورژوازی ملی و سرمایه‌داری وابسته صنعتی و مالی و حمایت‌های دولت از بخش وابسته، باعث شد تا رقابت آن‌ها از عرصه‌ی اقتصادی به عرصه‌ی سیاسی کشیده شود و به قضاوت در مورد سیاست‌ها و برنامه‌های دولت بدل شود. به همین دلیل بازار در دوره‌ی محمدرضا شاه نقش اساسی در اعتراضات علیه رژیم داشت و از متحدان اصلی روحانیت مخالف شاه به شمار می‌رفت. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۶۹)

در حوزه‌ی فرهنگی - اجتماعی، برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شاه از یک طرف باعث گسترش طبقه‌ی متوسط در ایران شد. گسترش این طبقه در نتیجه‌ی توسعه‌ی آموزش از دوره‌ی مشروطیت به بعد صورت گرفته و در دوره‌ی پهلوی این روند سرعت بیشتری گرفته بود. همه‌ی این گروه‌ها تحت تأثیر آموزش‌های جدید، رابطه‌ی قدرت سنتی حاکم بر جامعه را رد می‌کردند و در این میان روشنفکران (نویسندگان، استادان و دانشجویان) تمایلات و تقاضاهای سیاسی این طبقه را به طور آشکار نمایندگی می‌کردند. (کدی، ۱۳۶۹: ۲۶۰-۲۵۷) این آگاهی سیاسی نتیجه‌ی نوسازی دولت تحصیلدار پهلوی بود و این گروه‌ها خواسته‌های خود را در تضاد با ساخت قدرت استبدادی می‌دیدند.

سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی رژیم بویژه روند رو به گسترش غربگرایی در حوزه‌ی فرهنگی، مخالفت شدید روحانیت و جامعه‌ی مذهبی کشور را به دنبال داشت. روحانیت که از گذشته به عنوان اصلی‌ترین گروه مخالف گسترش و نفوذ ارزش‌های فرهنگی غرب در ایران به شمار می‌رفت، در دوره‌ی پهلوی بویژه با آغاز روند غرب‌گرایی رضاشاه به مقابله‌ی جدی با آن برخاست. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۴۴)

ادامه و پیگیری سیاست‌های رضاشاه پس از دهه‌ی ۴۰ به وسیله‌ی محمدرضا شاه در راستای سیاست مدرنیزاسیون که با توجه به افزایش درآمد نفت صورت گرفت، تقابل مجدد روحانیت و حکومت را به دنبال داشت. این مرحله از تقابل روحانیت و حکومت به دلیل شدت روند غربگرایی رژیم، با گذشته تفاوت داشت. همچنین مبارزه‌ی روحانیت در این دوره صرفاً یک واکنش اجتماعی در مقابل رژیم نبود، بلکه حرکتی ایدئولوژیک و دینی و در مخالفت با قدرت غیردینی در جامعه بود. بنابراین دولت تحصیلدار پهلوی هم از سوی گروه‌های اقتصادی و هم جامعه از بعد اقتصادی و هم از بعد فرهنگی و دینی و ایدئولوژیک در چالش بود.

اما دولت تحصیلدار پهلوی از سال ۱۳۵۵ به بعد با دو مسأله مواجه شد: ۱- مشکلات اقتصادی ناشی از افزایش تورم جهانی، افزایش قیمت جهانی کالا و افزایش انتظارات داخلی و نابرابری‌های اقتصادی و... ۲- ایجاد فضای باز سیاسی ناشی از فشار جهانی و سرانجام در اثر مواجهه با این مشکلات و ناکامی در اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی و همچنین افزایش نارضایتی‌های ناشی از تورم، افزایش مالیات، بیکاری و... که در سطوح مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوجود آمده بود، ناگهان در سال ۵۷ سقوط کرد و مردم با پیوستن به توده‌های انقلابی، رژیم پهلوی را برانداخته و انقلاب اسلامی را برپا ساختند.

با توجه به مسائلی که در خصوص دولت تحصیلدار پهلوی و سیاست‌ها و برنامه‌های آن در حوزه‌های مختلف مطرح شد، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

## ۲/۱. سؤالات

الف- سؤال اصلی:

چه رابطه‌ای میان رانتیر بودن رژیم پهلوی و وقوع انقلاب اسلامی در ایران وجود دارد؟

ب- سؤالات فرعی:

۱. استقلال رژیم پهلوی از جامعه و مداخله‌ی آن در حوزه‌های مختلف چه تأثیری بر وقوع انقلاب اسلامی داشت؟
۲. عدم اخذ و کاهش مالیات بین سال‌های ۵۴-۵۲ و افزایش مالیات بین سال‌های ۵۶-۵۴ در وقوع انقلاب اسلامی چه نقشی داشته است؟
۳. اجرای سیاست‌های رفاهی میان سال‌های ۵۵-۵۲ و افزایش انتظارات و متوقف شدن این سیاست‌ها و افزایش ناراضی‌ها چه تأثیری در وقوع انقلاب داشت؟
۴. چه رابطه‌ای میان تورم، کاهش حقوق و دستمزد و توقف فعالیت‌های عمرانی و ساختمانی و بیکاری ناشی از آن و وقوع انقلاب اسلامی وجود دارد؟

## ۳/۱. پژوهش‌های انجام‌شده قبلی در ارتباط با پایان‌نامه «بطور مختصر»

پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با موضوع پایان‌نامه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱- پژوهش‌های انجام‌شده درباره‌ی علل وقوع انقلاب اسلامی ایران
- ۲- پژوهش‌های انجام‌شده درباره‌ی دولت رانتیر و ویژگی‌های آن
- ۳- پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص رابطه‌ی دولت رانتیر و وقوع انقلاب اسلامی

## ۱/۳/۱. پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با انقلاب اسلامی ایران

این دسته از پژوهش‌ها با توجه به موضع و دیدگاهی که در برابر انقلاب اسلامی ایران اتخاذ می‌کنند، خود به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف) تحلیل‌های غیر علمی و روزنامه‌نگارانه:

این دسته شامل آثاری است که بسیاری از سیاستمداران، نظامیان، دیپلمات‌ها، روزنامه‌نگاران و ... در مورد انقلاب اسلامی نوشته‌اند که به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

- کتاب «پاسخ به تاریخ»، اثر محمد رضا پهلوی سعی دارد با ارائه‌ی شواهدی انقلاب اسلامی ایران را حاصل دسیسه‌ها و کارشکنی‌های غرب به خصوص امریکا معرفی کند.

- فریدون هویدا برادر نخست وزیر اسبق امیرعباس هویدا، در کتابی تحت عنوان «سقوط شاه»، به ریشه‌های ایجاد بحران در سال ۱۳۵۷ می‌پردازد. او برای توضیح انقلاب به ساخت دیکتاتوری رژیم شاه و اشتباهات شخصی وی به عنوان مهمترین عامل تعیین‌کننده در ایجاد انقلاب می‌پردازد. علاوه بر این مسائل، وی در تحلیل خود، فساد مالی، اختناق، فساد اخلاقی، افراط در خرید اسلحه، نظام تک‌حزبی و ... را در وقوع انقلاب اسلامی ایران دخیل می‌داند.

- کتاب «مأموریت در ایران»، اثر سولیوان «سفیر آمریکا در ایران» که طی سال‌های انقلاب در تهران بود، سعی دارد با تشریح وضعیت نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی ایران، توضیح ساختار اجتماعی و نقش تشیع و شرایط اقتصادی انقلاب اسلامی ایران را در این راستا تحلیل نماید.

نقص عمده‌ی این گونه تحلیل‌ها در این نکته است که اکثر این آثار خاطره‌نویسی‌ها و برخی گزارشهای دست‌دومی هستند که از صبغه‌ی علمی برخوردار نبوده و بدون پشتوانه‌ی نظری به شرح وقایع و خاطرات شخصی خود پرداخته‌اند. همچنین علاوه بر عدم پشتوانه‌ی نظری علمی، آثاری که از مقامات رژیم قبلی در این مورد می‌باشد اساساً بر فرضیه‌ی توطئه بنا شده است.

#### ب) پژوهش‌هایی که بر عامل فرهنگی در وقوع انقلاب اسلامی ایران تأکید دارند:

- حامد الگار در کتاب «ریشه‌های انقلاب اسلامی»، تشیع، رهبری امام خمینی «ره» به عنوان تجسم یک سنت و طرح اسلام همانند یک ایدئولوژی را به عنوان ریشه‌های انقلاب معرفی می‌کند.

- عباسعلی عمید زنجانی در کتاب «انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن»، استدلال می‌کند که شاه برای حکومت مجبور به اتکا به استکبار بود. لذا رژیم مجبور بود که با اسلام به مبارزه برخیزد و بدین ترتیب اسلام و حکومت شاه در تضاد قرار می‌گرفتند و مبارزه‌ی مردم ایران به رهبری امام خمینی «ره» نیز در همین راستا صورت گرفت.

- کتاب «The Turban for the Crown: The Islamic Revolution in Iran»، اثر سعید امیر ارجمند، توجه به دو عامل اساسی را برای درک انقلاب اسلامی ضروری می‌داند: یکی ساختار مرجعیت تشیع و دیگری تأثیر دولت مدرن بر ایران. نویسنده‌ی این کتاب نگاهی گذرا به علل اجتماعی و اقتصادی دارد و ویژگی

تعیین کننده ی انقلاب را ارزشی بودن آن می داند. در این کتاب انقلاب نتیجه ی عدم مشروعیت شاه دانسته می شود.

در مجموع به نظر می رسد دیدگاه فرهنگی به تنهایی نمی تواند تبیین کننده ی انقلاب اسلامی ایران باشد، زیرا بسیاری از مسائل مهم را توضیح نمی دهد. از جمله اینکه چرا نهضت ۱۵ خرداد که از نظر فرهنگی ماهیتی شبیه حرکت انقلابی سال های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ داشت، به پیروزی منتهی نشد، اما انقلاب اسلامی به پیروزی رسید؟ این امر نشان می دهد که در تبیین انقلاب باید به عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز توجه داشت.

ج) پژوهش هایی که بر عوامل روانشناختی در انقلاب اسلامی ایران تأکید دارند:

- ماروین زونیس در کتاب «شکست شاهانه»، عامل اصلی انقلاب را در ویژگی های روانشناختی شاه می بیند. وی معتقد است که انقلاب اسلامی ایران امری مقدر و اجتناب ناپذیر نبود و اگر شاه قبل از شروع انقلاب دست به اصلاحات دموکراتیک زده بود و یا پس از شروع انقلاب قدرت سرکوب آن را داشت، می توانست حکومت خود را حفظ کند.

- کتاب «The State and Social Revolution in Iran»، اثر فرخ مشیری بر اساس تحلیل های روانشناختی اجتماعی بر نظریه ی محرومیت نسبی تد رابرت گر متکی است. او در این نوع تحلیل روحانیون را به عنوان گروه مرجع در نظر می گیرد و استدلال می کند که تأثیر خاص غرب گرایی، کاهش توان جمعی روحانیون بود، اما در عین حال انتظارات ارزشی جمعی آنها نسبتاً ثابت باقی ماند. شکاف حاصله ناشی از کاهش نفوذ اجتماعی و منابع مالی از یک سو و افزایش کارایی دولت و ظهور طبقات سکولار از سوی دیگر بود. این شکاف بوجود آمده باعث بروز نارضایتی منجر به انقلاب شد.

این نوع تحلیل دارای کاستی هایی می باشد از جمله در تحلیل زونیس درست است که با توجه به ساختار حکومتی استبدادی، شخص شاه تأثیر قابل توجهی در تصمیم گیری ها داشت اما باید این نکته را مد نظر داشت که عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که اجازه ی شکل گیری چنین حکومتی را می دهد در این تحلیل مورد غفلت واقع شده است.

همچنین در تحلیل های محرومیت نسبی (تحلیل فرخ مشیری) این نکته را باید مدنظر داشت که اولاً افراد به شکل همسانی محرومیت واحدی را تجربه نمی کنند، ثانیاً در این تحلیل جهش از محرومیت فردی به محرومیت جمعی به اندازه ی کافی مورد توجه قرار نگرفته است.

د) پژوهش هایی که رهیافت سیاسی به انقلاب اسلامی ایران دارند:



- کتاب «مقدمه ای بر انقلاب اسلامی ایران»، اثر صادق زیبا کلام با بررسی تحولات پیش از انقلاب و رد کردن نظریات مختلف از جمله عامل مذهب، اقتصاد و ... انقلاب اسلامی ایران را تابع شرایط سیاسی به خصوص باز شدن ناگهانی فضای سیاسی در اواخر عمر رژیم می داند.

- کتاب «Social Origins of the Revolution»، اثر میثاق پارسا، در تشریح انقلاب اسلامی ایران، ظهور ائتلاف های انقلابی مبتنی بر منافع گروهی و طبقاتی، شبکه های ارتباطی، سازمان ها، منابع اقتصادی، عوامل سرکوب، ایدئولوژی و رهبری را توضیح می دهد. وی بر آن است که بازاریان نخستین گروهی بودند که بسیج شدند و از طریق مساجد مبارزات خود را هدایت کردند. اجرای سیاست فضای باز سیاسی نیز فرصتی برای سایر گروه های ناراضی خصوصاً در بعد اقتصادی باز کرد، اما خیلی از خواسته های آنان جنبه ی سیاسی پیدا کرد و ائتلاف وسیعی از طبقات اجتماعی شکل گرفت که همگی رهبری امام خمینی «ره» را پذیرفتند. سرانجام ترکیبی از گسست اجتماعی، ضعف در تشکیلات نظامی و حمله به نیروهای مسلح حکومت را فلج کرد و حاکمیت دوگانه شکل گرفت که به پیروزی انقلاب و براندازی سلطنت منجر شد.

این نوع تحلیل ها نیز چنان که زوایایی از موضوع را روشن می سازد، تک بعدی بوده و عوامل مؤثری همچون ایدئولوژی، مذهب، و ... را مورد توجه قرار نمی دهند.

#### ه) پژوهش هایی که رهیافت اقتصادی - اجتماعی به انقلاب اسلامی ایران دارند:

این دسته از آثار در مقابل رهیافت فرهنگی قرار می گیرند. در اینگونه از نوشته ها نقش اقتصاد سیاسی یا ساختار اجتماعی بیشتر مورد تأکید قرار می گیرد و عوامل فرهنگی و روانشناختی مفروض گرفته می شوند.

- محمد علی کاتوزیان در «اقتصاد سیاسی ایران»، با بررسی شرایط ایران از قرن نوزدهم تا استقرار جمهوری اسلامی ایران، تبیینی از انقلاب اسلامی ارائه می دهد. تأکید وی بر استبداد نفتی شکل گرفته در سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ می باشد. به نظر وی درآمدهای نفتی به آنچه او آن را شبه تجدد می خواند شکل داد و ترکیبی از استبداد نفتی و شبه تجدد باعث انقلاب اسلامی ایران شد.

- کتاب «Economic Orgins of the Iranian Revolution»، اثر رابرت لونی نیز بر عوامل اقتصادی و اجتماعی در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران تأکید دارد. از این منظر لونی، بی عدالتی های اقتصادی، تغییرات و جابه جایی های کوتاه مدت ولی گسترده ی اجتماعی، عدم پیش بینی درست مشکلات ناشی از توسعه، بحران اقتصادی، تورم، بیکاری و ... را مد نظر قرار می دهد و آنها را در راستای ناآرامی های سال ۱۳۵۷ تحلیل می کند.

این نوع تحلیل‌ها نیز دارای کاستی‌های خاص خود می‌باشد. مثلاً در تحلیل کاتوزیان، نیروهای اجتماعی و منابعی که در اختیار دارند مغفول مانده است. لونی نیز بیشتر توجه خود را به نفت و درآمدهای نفتی معطوف می‌کند و به سایر عوامل توجه ندارد.

(و) پژوهش‌هایی که رهیافت چند علتی به انقلاب اسلامی ایران دارند.

این دسته آثار بر آن هستند که انقلاب اسلامی ایران را معلول تقارن علل مختلف نشان دهند.

مکتوبات متعددی در این حوزه به چشم می‌خورد از جمله:

- نیکی آر. کدی در کتاب «ریشه‌های انقلاب ایران»، عوامل مختلفی را در وقوع انقلاب اسلامی ایران مؤثر می‌داند از جمله: انجام اصلاحات همراه با رشد و شکوفایی اقتصادی و تأثیر منفی آن بر گروه‌ها و طبقات اجتماعی، سرکوب گروه‌های سیاسی و فقدان آزادی و نقش تشیع به عنوان یک کاتالیزور.

- جان فوران در کتاب «مقاومت شکننده»، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، عواملی مانند ساختار اجتماعی، شیوه‌های تولید، طبقات جدید و ماقبل سرمایه‌داری، دولت سرکوبگر و ... را در تحلیل خود برای بررسی انقلاب ایران دخالت می‌دهد. از نظر او وجود طبقات جدید اجتماعی از یک طرف و دولت سرکوبگر از طرف دیگر به دلیل توسعه‌ی وابسته به همراه افول اقتصادی باعث انقلاب اسلامی ایران شد.

- مایکل فیشر در کتاب «Iran : from Religious Dispute to Revolution»، درحالی که بخش زیادی از تحلیل خود را به بررسی فرهنگ مذهبی ایران اختصاص می‌دهد، اما خود بر آن است که علل انقلاب و زمان وقوع آن اقتصادی و سیاسی بودند. در مقابل شکل انقلاب و محل وقوع آن تا حد زیادی نتیجه‌ی سنت اعتراض مذهبی بود.

این نوع تحلیل‌ها نیز هر چند بر عوامل مختلفی تأکید می‌کنند اما عاری از اشکال نمی‌باشند. مثلاً تحلیل کدی تاریخی و فاقد دید نظری خاصی است و فیشر نیز هر چند بر اهمیت عوامل مختلف تأکید دارد، اما در نهایت یک بعد را برجسته می‌کند که از اهمیت کار وی تا حدودی می‌کاهد.

۲/۳/۱. پژوهش‌های انجام‌شده درباره دولت رانتیر و ویژگی‌های آن

- حازم بیلایوی در مقاله‌ای تحت عنوان «The Rentier State in the Arab World»، ویژگی‌های دولت رانتیر را برشمرده و دولت رانتیر را دولتی معرفی می‌کند که مقادیر قابل توجهی از رانت‌های خارجی را به شکل منظم دریافت می‌کند.

- جیاکومو لوسیانی که کتاب «The Rentier State»، را در دهه ی ۱۹۸۰ نگاشت، در این کتاب می‌گوید دولت رانتیر یک مؤسسه ی توزیع درآمدهای حاصل از مواهب الهی است.

- همایون کاتوزیان در کتاب «اقتصاد سیاسی ایران»، اعتقاد دارد در یک دولت رانتیر سه گروه عمده را می‌توان از هم تشخیص داد. ۱- گروه تحت‌الحمایگان دولت که بزرگترین منافع و مزایا را از رانت دریافت می‌کنند. ۲- توده ی جمعیت شهری که این هم از آثار افزایش هزینه‌های دولتی بر اقتصاد نفع بسیار می‌برند. ۳- جمعیت روستایی که این گروه کمترین میزان دریافت را از رانت دارا می‌باشند.

- احمد میدری در مقاله ی «عدم تقارن اطلاعات، منبع رانت»، خبر داشتن از تصمیمات دولت، اطلاعات و وضع قانون را رانت کارگزاران سیاسی می‌داند. از نظر او رانت یکی از مباحث اساسی توسعه ی قدرت حاکمان در تولید و توزیع است.

- هوتن شامبیاتی در مقاله ی «مخالفت با دولت رانتیر، مقایسه ی جنبش‌های اسلامی در ایران و الجزایر» می‌نویسد: دولت رانتیر به عنوان دریافت‌کننده ی اصلی رانت در جامعه مطرح می‌باشد. در این شرایط، گروه‌های اجتماعی، بیشترین وابستگی را به دولت خواهند داشت. از نظر او چالش جامعه با دولت تحصیلدار چالشی فرهنگی است نه اقتصادی.

- محمود طیبیان در مقاله ی «رانت اقتصادی به عنوان یک مانع اقتصادی»، می‌نویسد: در شرایط وجود کسب درآمد از طریق رانت، استعدادهای جامعه به جای نوآوری و خلاقیت و فعالیت مولد، به سوی کسب آسان جذب شده و این امر سبب تخصیص کشور از فعالیت‌های مفید به فعالیت‌های مربوط به جستجو و کسب رانت می‌شود. همانطور که ملاحظه می‌شود، اکثر این پژوهشگران صرفاً به تعریف و بررسی ویژگی های دولت های رانتیر پرداخته ولی به رابطه ی رانتیر بودن حکومت پهلوی و وقوع انقلاب اسلامی اشاره ای نکرده اند.

### ۳/۳/۱. پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص رابطه ی دولت رانتیر و وقوع انقلاب اسلامی در ایران

- تدا اسکاچپول در مقاله ای تحت عنوان «Rentier State and Shi'a Islam in the Iranian Revolution»، به بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر ساخت قدرت پهلوی دوم می‌پردازد و معتقد است که عواید نفتی موجب استقلال دولت از طبقات اجتماعی شد و شاه توانست با تکیه بر درآمد های نفتی در تمامی حوزه های عمومی و خصوصی دخالت کند.

- دکتر حسین مهدوی نخستین کسی است که با ارائه ی آمار و ارقام، نظریه ی دولت تحصیلدار را برای تبیین ماهیت دولت مدرن در دوره ی محمدرضا شاه پهلوی به کار برد. او در کتاب «patterns and problems of

economic Development in Rentier State: the case of iran»، می‌گوید: با ترقی قیمت نفت در ابتدای دهه ی ۵۰ و افزایش نجومی درآمدهای نفتی، دولت پهلوی به یک دولت تحصیلدار تمام عیار تبدیل شد. - افسانه نجم‌آبادی در کتاب «Depoliticization of A Rentier State»، ماهیت غیردموکراتیک دولت را در ایران، به تحصیلدار بودن آن مرتبط می‌کند.

- امیر محمد حاجی یوسفی در مقاله ی «رانت، دولت رانتیر و رانتیریسیم»، با ارائه ی چارچوبی مفهومی جدید برای فهم ماهیت دولت پهلوی و دلایل عدم توسعه ی اقتصادی ایران، بر رانتیر بودن دولت پهلوی تأکید دارد. همچنین وی در مقاله ی دیگر تحت عنوان دولت، نفت و توسعه ی اقتصادی، در ایران قبل از انقلاب دولت محمدرضا شاه را واجد سه ویژگی عمده می‌داند: ۱- رانتیر بودن ۲- استبدادی بودن ۳- وابستگی به آمریکا.

- عبدالقیوم شکاری در کتاب «دولت تحصیلدار و انقلاب اسلامی»، می‌نویسد: دولت رانتیر پهلوی به دنبال افزایش درآمدهای نفتی اقدام به طرح و اجرای سیاست‌هایی کرد که در تضاد کامل با ارزش‌ها و باورهای جامعه قرار داشت و به همین خاطر با واکنش جامعه روبرو گردید.

- مهدی رهبری در کتاب «اقتصاد و انقلاب اسلامی»، به بررسی دولت رانتیر پهلوی پرداخته و بر این اعتقاد است که دولت ایران بین سالهای ۵۵-۱۳۴۲، دولتی تحصیلدار و استبدادی بود که هر عملی از سوی آن با توجه به منافع رژیم صورت می‌گرفت و تنها محدودکننده ی قدرت آن، ایالات متحده آمریکا بود. البته استقلال شاه از آمریکا با افزایش قیمت نفت بیشتر شد، ولی با کاهش قیمت نفت، در سال های ۵۵-۱۳۵۴، این استقلال هم در مقابل آمریکا و هم در مقابل جامعه از دست رفت.

اکثر این پژوهش‌ها در حد یک مقاله بوده و اطلاعات جامع و کاملی ارائه نمی‌دهد و اگر هم در کتابی به آن اشاره شده، در حد یک فصل کوتاه و مختصر بوده است. بنابراین پژوهش حاضر در صدد پرداختن به ابعاد این موضوع و ارائه ی پژوهشی مفید در خصوص رابطه ی میان دولت رانتیر و انقلاب اسلامی ایران است.

#### ۴/۱. حدود پژوهش

نقطه ی تمرکز این پژوهش از نظر زمانی بین سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۴۲، از نظر مکانی کشور ایران و از لحاظ مفهومی رانتیر بودن حکومت پهلوی دوم و رابطه ی آن با انقلاب اسلامی ایران می‌باشد.

#### ۵/۱. تعریف مفاهیم

رانت:

تعریف لغوی رانت (rent) اجاره ی زمین و اجاره ی بها می‌باشد، اما در اصطلاح متعارف به هرگونه درآمدی گفته می‌شود که بدون زحمت و تلاش یدی و فکری بدست می‌آید. اقتصاددانان، رانت را به درآمدهایی